

اَدْنَا، روزِ بَدَنگ

علی عابد

عاشق صادق

رضیه برجیان

شنیده‌اید که «اگر راست می‌گویی که مرا دوست داری فلان کار را انجام بده.» اگر واقعاً عاشقانه کسی را دوست داشته باشید آنچه او می‌خواهد، برایتان بسیار راحت خواهد بود. حالا اگر به چند چیز عشق بورزید دیگر این تعدد محبوب‌ها نمی‌گذارد شما به راحتی یکی را کاملاً زیبا و حق ببینید و وقتی یکی از آنها چیزی از شما می‌خواهد فقط تا جایی که با دیگر محبوب‌هایتان مشکل پیدا نکند اطاعت می‌کنید؛ شاید به همین دلیل است که خداوند از مسلمانان می‌خواهد، اگر او را و تنها او را دوست دارند از پیامبرش پیروی کنند^۱ و این را محکی برای صداقت در عشقشان به خداوند و ایمانشان به او قرار می‌دهد. توجه کنید که در یک دل فقط یک محبوب واقعی جای می‌گیرد بقیه محبوب‌ها و معشوق‌ها اصلی نیستند بلکه محبت به آنها از محبت به محبوب اصلی سرچشمه می‌گیرد چون او آنها را دوست دارد یا واسطه رسیدن به محبوب واقعی‌اند.

۱. آل عمران، آیه ۳۱.

آن روز، روز نظافت جامعه از بی‌عدالتی است. نمی‌دونم کی گفته فتیله آبی فتیله جمعه روز تعطیله، جمعه هرگز تعطیل نیست. اون روز کلی کار داریم. روح و روان‌مان باید بوی ریحان بگیرد. سیاست و ریاست‌ها تمیز و مرتب بشود. کسانی که به بیت‌المال یا اموال فقرا و... ناخونک می‌زنند ناخوناشون را بچینیم.

سالم‌ترین و حلال‌ترین میوه‌ها را بخوریم. مگر جمعه راهی به سوی بهشت نیست؟ آن قدر در گفتن حق باید بلند فریاد بزنیم، تا فریادهای بلند او را تاب بیاوریم. در راه التیام زخم‌های حق آن قدر باید زخم‌های عمیق داشته باشیم تا آن سوار سبز پوش وقتی مرهمی برای زخم‌هایمان می‌آورد شرم‌منده نشویم. همه‌مان اَدْنَا بشویم. اَدْنَا روز بدنگی است، همه آزاد می‌شویم به شرط اینکه رو راست باشیم، برای خودمان آینده‌ای ترسیم کنیم که غروب نکند، شب دنبالش راه نیفتد تا ما را در سیاه‌چال نادانی و خیره‌سری چال کند. قانون شنبه را رعایت کنیم. ماهی‌ها را نکشیم. اجازه بدهیم توی رودخانه روز خوبی داشته باشند. ●

اگر دوهزار و پانصد و اندی سال قبل به دنیا می‌آمدی، حتماً شنبه را بهتر می‌شناختی. امروز شنبه مثل یکشنبه و دوشنبه و... روزی از روزهای خداست. این روزها، شنبه فقط شروع هفته است اما در گذشته این‌گونه نبود. در بخشی از تاریخ، شنبه معنای ویژه‌ای داشت و قانونی ویژه‌تر.

آن روزها کسانی که قانون شنبه را رعایت نکردند میمون شدند^۱، خدا آنان را نفرین کرد. البته این درس هم‌چنان در آفرینش جاری‌ست. این ماییم که خیلی دردمان نمی‌آید! خداوند می‌فرماید: شنبه تعطیلات آخر هفته ماهی‌ها بود^۲. همه ماهی‌ها از خانه‌هایشان بیرون می‌آمدند، دست بچه‌هایشان را می‌گرفتند تا به پارک‌ها و باغ‌وحش‌های طبیعت بروند؛ آن روز طبیعت رودخانه پر ماهی می‌شد. خانواده ماهی‌ها با هم توی آب سر می‌خوردند و می‌لفزیدند و در عرض و طول رودخانه همگی با گروه‌های کوچک و بزرگ گردشگری، شنبه را به تفریح می‌گذرانند. خداوند به آدم‌ها^۳ گفته بود شنبه‌ها کسی حق ندارد ماهی بگیرد.

شنبه با رازهای دیگری هم آشنا شد و معناهای دیگری هم یافت. خیلی‌ها آرزو می‌کردند صاحب شنبه را ببینند. منتظرش بودند می‌دانستند پیامش پر از دانایی و پر از نور است، ولی وقتی ظهور کرد مخالفش شدند. آنها می‌دانستند هفته با شنبه شروع می‌شود؛ با حضرت رسول ﷺ. صاحب یک‌شنبه هم حضرت زهرا و حضرت علی علیه السلام است، هر کسی این‌ها را نمی‌شناسد باید فکری به حال خودش بکند.

دوشنبه روز پیوند عقل و عشق بود روز عرفان، روز حماسه و پیوند سبز و سرخ؛ روز امام حسن مجتبی و امام حسین علیه السلام. ولی فرزندان همان‌هایی که قانون شنبه را رعایت نکرده بودند و چشم دیدن اولیای خدا را نداشتند، وجود مبارک آنها را هم تحمل نکردند. خوب می‌دانستند صاحبان سه‌شنبه، امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیه السلام هستند و صاحبان چهارشنبه؛ امام موسی کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی علیه السلام را می‌شناختند ولی شهیدشان کردند.

از خود پیامبر ﷺ شنیده بودند با روزها دشمنی نکنید که آنها در قیامت با شما دشمنی می‌کنند^۴ اما آنها نشنیده گرفتند و حتی با پنجشنبه که عشق و نوید می‌آورد، بوی ظهور می‌دهد روز برآورده شدن حاجات بزرگ است و خداوند آن روز را هدیه کرده به امام حسن عسکری علیه السلام، دشمنی کردند.

جمعه را قدیمی‌ها می‌گفتند آدینه، عرب‌ها اسمش را گذاشته‌اند؛ جُمُعَه و ترک‌ها می‌گویند اَدْنَا. می‌دانی؟ ترکی‌اش خیلی قشنگ است. هنوز معنای اولش را دارد: اَدْنَا! یعنی هم اسم او شدن، هم نشین خدا شدن. ببینیم می‌توانی جمعه باشی؟

جمعه روز طهارت است نه اینکه فقط ناخن بگیریم، انار بخوریم، زیرپوش‌هایمان را جلو آپارتمان به عنوان پرچم نظافت، دار بزنیم تا باد، مسخره‌اش کند. بلکه

۱. بقره، ۶۵.
۲. اعراف، ۱۶۳.
۳. بقره، ۶۵.
۴. مفاتیح الجنان، ص ۹۵.

